

# ادوار زندگی

مجله حضرت  
معلم محترم یا بنده محمدخان معلم

دوره زندگی عبارت از دقیقه روئیدن گیاهی تا خشکیدن آن و از جنیدن و حرکت حیوانی تا مردن آن ، می باشد ، انسان نوعی از حیوان است ، اگر آموخته است ، اهلی و اگر آموخته نیست و وحشی گویند .

زندگانی انسان از نقطه نظر طبیعی تقسیم میگردد به : کودکی ، جوانی ، سالخوردگی پیری و از نقطه نظر اخلاقی به : پیری در جوانی ، جوانی در جوانی ، پیری در پیری جوانی در پیری ، و از نقطه نظر اجتماعی به : زندگانی تنها و زندگانی با غیر ، و از نقطه نظر تکلیفی به : زندگانی علمی و زندگانی عملی .

تقسیمات سطور فوق را اگر از نقطه نظر طبیعی تحت غور و خوض بگیریم بعبارة دیگر عنوان ادوار بشری را بخوانیم ، چه ادوار بشری از منہ ایست که انسان از بدایت تکوین تا نهایت عمر طی می نماید و در ظرف این مدت اعمال و خصایص روح در وجود او ظهور میکنند . دوره های عمر عبارت است از :

دوره جنینی ، دوره کودکی و حداثت ، دوره بلوغ ، دوره جوانی ، دوره مردی دوره ثبات ، دوره کهولت ، دوره پیری و خرافت .

## دوره جنینی

دوره جنینی از حیث خصائص عقل و نفس ملزوم بحث نیست، زیرا از ابتدای این دوره تا انتهای آن که غالباً در انسان (۲۷۵) روز یا ۹ ماه است، تنها به حس لامسه، ذائقه و بعد شامه و سامعه و در آخر باصره نائل میگردد و این دوره را علمای انتر و بولوژی (علم پیدایش بشر) دوره (بعد از وجود) می نامند. اما از حیث فیزیولوژی و خواص اعضاء جسمی نهایت طرف توجه است که از مبحث فیزیولوژی بیان خواهد شد.

## دوره کودکی و حدائت

## یا قسمت اول زندگانی

طفل که در بن عالم قدم میگذارد، دارای دوره کودکی و حدائت یا قسمت اول زندگانی تعبیر شود می باشد. ابتدای این دوره از تولد و انتهای آن تا به ۸ سالگی و دوره حدائت ابتدای آن از ۸ سالگی و انتهای آن به ۱۴ سالگی میشود (و اینرا دوره کودکی دویم نیز گویند) یک دوره از ادوار بشری است. که از حیث بسکولوژی اطفال مورد بحث ما میباشد طفل در این دوره باالخاصه در دوره اول (کودکی) با لوازم شش گانه: خوردن، آشامیدن، خفتن، بیداری، جنیدن و آرام بودن، اندر است که این شش احتیاج از او جدا نمیگردند مگر به آخرین نفس زندگانی. در این دور احتیاجات انسان بادبکر حیوانات شریک است و او را خصایصی است که به تدریج در وجود او هویدا میگردد.

طفل در آغاز زندگانی پیش از همه چیز باپستان مادر آشنا میگردد که قدرت او

را باین شناسائی نابهنگام مقهور می نماید ، کم کم استخوان بدن او صلابت پیدا میکند و اعضای او نشو و نما می نماید و بعد از آن قوه ادراک و شعور در او بظهور میرسد چون خواهد صورت محسوسات را بشناسد اول تر از همه چیز صورت مادر را تمیز میدهد و رفته رفته کم کم احساسات او قوت گرفته صدای مادر را از دیگر می شناسد مهر و قهر او را از یکدیگر تمیز میدهد و میان تلخ و شیرین فرق میگذارد ، رفته رفته زبان باز میکند ، هر چیز را شنیده میگوید و شروع بگفتن میکند ، از کلمات یکصدائی اگر چه دارای دو حرف باشد مانند ، به ، مه ، بعد از آن بدو صدائی اگر چه دارای چار حرف باشد ، مانند به به ، مه مه ، ماما ، بی آنکه بتواند بکلمات سه حرفی تلفظ نماید ، هم چنان از زبان وی قیاس قوای دیگر او را می توان کرد .

قوی رو به نمو نموده حافظه او زیاد میگردد ، در دماغ او آثار و علائم فهم و ذکا و فکر نمایان میشود درین مرحله زندگی کافی آغوش مادر دبستان آموز کاری طفل است نه تنها دبستان آموز کاری بلکه اول مرکز سعادت و شقاوت او است . اول مرحله خوشبختی و بدبختی او . پس اگر باین نظر بگوئیم این منزل خطرناک ترین منزلهای زندگانی است خطا نگفته ایم درین مرحله است که صفتی خاطر طفل مانند آئینه مصفا است در برابر صورت های زشت و زیبای عالم مانند صفحه عکس است در مقابل تمام اشیا این جا است که اگر دیده او خوشتر از دنیا شود <sup>شاید</sup> <sup>بگردد</sup> و اگر بددید بدبین ، هم چنان اگر گوش او حق شنید حق شنو و اگر باطل شنید باطل شنو میگردد .

پس زمانیکه در راست گوئی او نجات و در دروغ گوئی او هلاکت است درین مرحله ثابت میشود که گناهش بگردن گوش است چنانکه گناه گوش بگردن زبان دیگران است زبان هم ظالم است و هم مظلوم و این از خصایص زبان است .

از چشم و گوش و زبان گفتیم و آنها را بمنزله سه رکن از ارکان خوشبختی و بدبختی شمردیم و چارمین که مهم ترین آنها است نا گفته نماند و آن قلب است که :  
 درین خانه عرشی و فرشی ، جسمانی و روحانی زمینی و آسمانی پادشاهی می نماید با این  
 همه قلب هم در این مرحله دریافت نمیکند سعادت و شقاوت خود را مگر بواسطه چشم  
 و گوش و زبان که اگر خوش بختانه شروع به زندگانی کردند او بسعادت خویش میرسد  
 و اگر در بدبختی مانند دوچار شقاوت میگردد نتیجه آنکه سعادت انسانی پیاکی قلب  
 او است و پاکی قلب مربوط پیاکی چشم ، گوش ، زبان و پاکی این سه به لیاقت آغوش  
 مادر مربوط است .

و باید دانست که طفل در آغاز زندگانی فرا میگردد رفتار را زودتر از آنکه  
 فرا گیرد و گفتار را چنانکه می بینیم مادر یا دیگری در برابر دیده طفل انگشتان خود را  
 حرکت میدهد و بزبانی که دارد ( بیابیا ) میگوید ، روزی دو نیکگذرد که طفل تقلید  
 میکند بی آنکه بتواند لغت او را ادا نماید و هم باید دانست که طفل در ابتدای نشوونما  
 که لوح خاطرش قابل پذیرفتن هر گونه نقش و نگار زشت و زیبا است ، هر نقش را که  
 پیش از همه پذیرفت ، نقش اصل و رسم حقیقی میگردد و محو نمودن آن از لوح خاطر  
 وی مشکل می شود .

### رتال جامع علوم انسانی

بالجمله در این دبستان اجتماعی ، اکتسابات اولیه طفل را در گفتار و رفتار و ملکات  
 نفسانی و اختیارات عملی همرنگ خانواده میسازد که در آن دیده کشوده ، گوش فراداده  
 و زبان باز نموده است .

مثلاً فرض می نمائیم دو طفل را از دو ملت مختلف بعد از ولادت بی فاصله ، تبدیل

محل نمایند پس از آنکه ادراکات آنها استقلال یافت ، غالباً مشاهده میشود که هر يك متصف شده اند بصفه خانواده که در آن نشو و نما نموده اند و طبیعت دوم در وجود آنها حکمرانی می نماید .

طفل در احوال نشو و نما و اکتشافات طبیعی باقی است تا آن هنگام که بایستی بدست تعلیم و تربیت سپرده شود ، اینجا دو صورت حاصل میگردد :

یکی آنکه : طفل به مکتب کسب و کمال حاصل کرد و دیگر آنکه : بحال عوامیت باقی بماند در صورت دوم حیوانی است گوینده ، که اگر در مکتب آغوش ما در نیکو تربیت یافته خوش رفتار ، بی آزار ، بردبار ، فرمان بردار است ورنه شریر مغرور ؛ حریص طماع و مردم آزار . اول بی ضرر و کم منفعت و دومی بی منفعت و پر ضرر خواهد بود .

شق دوم . اگر بدست تعلیم و تربیت بسرده شود . ممکن است زبان معلم چراغ عقل او را روشن کند و دست مربی اخلاق وی را مهذب نماید . اما باز بشرط آنکه بنای تعلیم و تربیت بر اساس حسن پرورش مادر وی گذارده شود ورنه نمیتوان گفت که دست آموز کار و پرورش افزا بتواند ملکات ناپسندیده را که در آغوش ما در فرا گرفته و برای او مانند طبیعت دوم شده بکلی محو نماید .

نتیجه آنکه نیکو بر آمدن طفل از مکتب آغوش ما در و پیمودن وی يك قسمت از مکتب اکتسابی را به ضمیمه حسن تربیت مبداء العادت و خوش بختی انسان است .

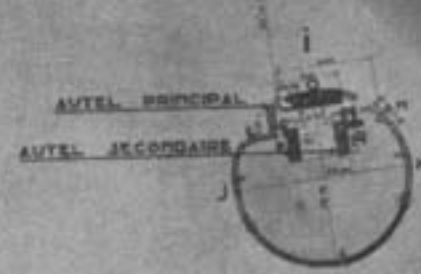
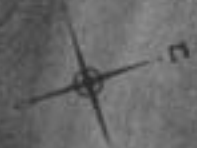
اینست که پسیکولوژی اطفال که مخصوص مباحث از انسان در این دوره کودکی عمر است سخت ترین مباحث پسیکولوژی عمومی است به باره دیگر این قسمت حیات پر منفعت ترین ادوار است زیرا نقوش و رسم هادین دوره به نسبت فهم افکار و ادراک و مقاصد

PLAN GENERAL DES ROUTES

ETAT ACTUEL

A L'ECHELLE DE 1:50000

- LA VILLE D'ENHEDI
- LE TEMPLE DE LA VILLE
- LE PARLEMENT DE LA VILLE
- LA MAISON DE LA VILLE
- LES TEMPLES DE LA VILLE
- LES TEMPLES DE LA VILLE
- LES TEMPLES DE LA VILLE



پلان عمومی معبد بودائی که در کونکول خیرخانه کشف شده در سال موجود است.  
متعلق شماره چهارم سال ۶ - آینه (اصل مقاله در شماره آینه)



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

اطفال برای انسانی که چندین دوره از عمر او گذشته است نهایت صعوبت را خواهد داشت. و ازین جا است که معلم و مربی بایستی فوق العاده درین خصوص و دوره اهتمام کرده در معرفت عقول و نفوس اطفال زیاده ممارست نماید تا بحدیکه بتواند تحصیلات و دوره کودکی و صباوت را از مد نظر گذرانیده و بامدارك آوان طفولیت نزدیک شود.

## دوره بلوغ و جوانی

### یا قسمت دوم زندگی

دوره بلوغ که از ۱۵ سالگی تا به ۲۲ سالگی دوام دارد و دوره جوانی که از ۲۲ تا ۲۷ سالگی میباشد از نقطه نظر پسکو لوژی جوانان مورد توجه و بحث از خصایص و قوای روحی افراد این دوره است.

در ابتدای دوره بلوغ قوای شهوانی رو به ارتقا گذاشته و ماده شهویه زیاد میشود و قوای طبیعی و غیر اتر انسان بر قوای عاقله فرمانروائی مینمایند و از ابتدای دوره جوانی قوای طبیعی نمو نموده قوای عاقله نیز از دوره سابق بیشتر رفته است. لیکن قوای طبیعی مجال و اجازه حکم فرمائی به آنها نمیدهد.

اگر ما احوال این دوره را قدری مفصل تر دیده و خدمت قارئین محترم تقدیم کنیم خلی از فائده نخواهد بود دو طفل (از دوره کودکی) از سرحد زندگی گذر شده قدم بعرصه جوانی میگنارند صاحب تکلیف و رأی مستقل میگردد آنکه انسان جوان است با اول سعادت که بر میخورد اینست که می فهمد بزرگ تر سرمایه او وقت است و احساس میکنند که وقت از دست رفته هرگز بدست نمی آید آنگاه سرمایه پر بهای خود را چار قسمت نموده قسمتی را برای رفع احتیاجاتش گانه



ضروریه میگنارد و قسمتی را صرف کسب معاش میکنند قسمت سوم را به تحصیل علم و عمل یا تکمیل حرفت و صنعت می پردازد و در قسمت چارم از لذت های روحانی و تفریحات جسمانی در دایره اعتدال عقلانی بهر مند میگردد .

جوان دانا در عفتوان جوانی در بکار بردن وقت عزیز خود همان احتیاط و اندیشه را میکند که پیر جاهل در ایام آخرین زندگانی خود مینماید یعنی فریب غرور جوانی را نخورده روز بلکه هیچ يك ساعت از عمر گرانبهای خود را بی عوض نمیکندارد و بیهوده مصرف نمینماید .

بالجمله انسان جوان در دوره جوانی قوای مادی و معنوی خود را به کمال میرساند . از طراوت عهد شباب بهره میبرد . اساس سعادت خود را بر قسمت های دیگر عمر بلکه برای آنانکه از وی باز مینمانند محکم میسازد . و این است معنی « پیری در جوانی » از نقطه نظر اخلاق جوان دوم آنکه در مکتب آغوش مادر تربیت نیکو نیافته و تحصیلات وی ( اگر اکتسابی کرده باشد ) بجای نفع ضرر بخشیده و اخلاق ناپسندیده او را قوت داده است . چون قدم بمرصه جوانی بگذارد و خود را بی نیاز از پدر و مادر بیند مغرور گشته سر از اطاعت ایشان به پیچد و هر چه بدست آورد در قمار نادانی بیازد . بدبختی را برای خود و رسوائی را برای خانواده اش تدارک نماید و این است معنی « جوانی در جوانی » از نقطه نظر اخلاقی پدر و مادر هم در این حال هر چه میبینند نتیجه بدی تربیت های اولیه است که به طفل خود روا داشته اند ( و خود کرده را تند پیر نیست ) در این مرحله چیزیکه میتوانند جوان مغرور را تا یکدرجه از خواب غفلت بیدار کنند اول شد ائذ روز کار دست هوا و هوس ها را از سراود دور نمایند و دیگر

رفیق دانائی که بحسن معاشرت رفته رفته او را بهوش آورد و تصرف در اخلاق او بنماید اگر چه ملکان رسوخ یافته تغیر ناپذیر است مدت این زندگانی از حد بلوغ است تا سن وقوف .

هم چنان قسمت را که در موضوع جوانی در جوانی از نقطه نظر اخلاقی دیدیم چون ناقص و بی بنیاد بوده همان رشته قوت یافته ، تریبه شده تا مادام پیری دوام کرده و در آن سن که ایام سالخورده کیست قوا مضمحل و تا سف غلبه بل بصورت عمومی جاگیر و حکمفرمای تمام قوای عاقله میگردد یا کاری و چاره سنجیده نمی تواند تا خود را از ورطه هلاک رها کند به نجات برساند ، این است معنی « پیری در پیری » از نقطه نظر اخلاقی .

و بر عکس این « جوانی در پیری » نتیجه همان بهره طراوت عهد شباب و تکمیل قوای مادی و معنوی تریبه شدگی است که موضوع « پیری در جوانی » را در آغوش میگیرد

### دوره مردی و ثبات

دوره مردی (رجولیت) که از ۲۸ تا ۳۶ میباشد و دوره ثبات که از ۳۷ تا ۴۳ سالگی است از نقطه نظر (پسیکو لوژی) همان (پسیکو لوژی مردان) که قسم سوم از پسیکو لوژی افراد است مورد بحث علمای علم روح و نفس است.

### رساله جامع علوم انسانی

از ابتدای دوره مردی قوای عاقله کم کم در مملکت بدن حکمفرمایی میکنند و نموی طبیعی در آنها بظهور میرسد و قوه شهوت نیز آخرین درجات خود را طی نموده بسرحد کمال میرسد و قوه فهم و ذکاوت و وجدان و اراده و انواع تخیلات و درک اشیا از روی علت و فلسفه (قوه تعلیل) در دماغ او بهم رسیده و این دوره را علمای علم روح دوره (کمال روح کمال نفس) گویند و از ابتدای دوره ثبات ترقی نفس و عقل و ترقی قوای حسی ذات ،

حب نسل، حب تمدن، حب فامیل و پرورش اولاد، در انسان ظاهر میگردد و از وظایف روحی زندگانی خود با خبر میشود و این سن را علمای علم نفس (کمال دوم روح) یا دوره (کمال پوره نفس) می نامند.

## دوره کهولت و سالخوردگی

یا قسمت سوم زندگانی

دوره کهولت که از ۴۴ به ۵۷ یا ۶۰ سالگی دوام می کند از نقطه نظر بسیکولوژی افراد مورد بحث علمای نفس میباشد.

در این دوره قوای عاقله و خصائص روحی انسان نموی کامل نموده و درهای حکمت و فلسفه و تحلیل اشیا بر روی انسان باز میشود و فهم و تخیلات بسر حد کمال میرسد و عقل کامل میشود. ولی قوای شهوانی نقصان می یابد و انسان محتاج به منبهات خواهد شد لیکن استعمال آنها برای قوای نفسی و روح بالاخص ضرر خواهد داشت و این دوره را علمای نفس (کمال سوم روح) یا (کمال اکمل) نامند و علمای انترپسولوژی و فیزپسولوژی (دوره انحطاط) می نامند. زیرا درین دوره جسم و اعضا رو به انحطاط می رود ولی در عوض قوای عاقله بسرحد ارتقا میرسد. اما متعاقب این دوره رفته رفته در قوای عاقله نقصان حاصل شده انسان از حیث قوای نفس و جسم رو به تنزل می رود در این مرحله مبد رود آنچه را که در دوره اول و دوم کشته و بکار می برد آنچه را از نیک و بد و از خیر و شر فرا گرفته و میرسد بان مقدمات که از پیش تدارک دیده است آنالیکه از مکتب آغوش مادر نیکو برآمده در بدستان لایقی کسب هنر نموده و دارای ملکات حسنه و صفات پسندیده.

متعلمین اعدادیه سوم مکتب استقلال در اثباتی درس — متعلق شماره ۷ ساله ۶ — آئینه



پرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
رتال جامع علوم انسانی



پروشکاه علوم انسانی و مطالعات فرہنگی  
رتال جامع علوم انسانی

شده . و پس از تکمیل تحصیلات علمی و عملی با مناسب میل طبیعی باقتضای قوه روحی و دماغی خود به مشغله باشرافتی که قابل ترقی باشد پرداخته و کار معیشت را بر مبنای اصول دینی و دنیوی منظم ساخته بهلاوه همسر ، همخور ، هم سن مهر بانی برای تشکیل خانواده بمیل خاطر خود بدست آورده ، او و همسر مهر بانس هر دو از خوش بختان اند . معنی زندگی دنیارامی فهمند در شرکت زندگانی هر يك تکلیف خود را ادا میکنند . هر دو باهم رشته سعادت را نگاه میدارند . هر دو تحصیل تمول و اعتبار می نمایند و از آنچه بدست آورده ذخیره برای بازماندگان میگذارند .

این دو تن باهم بخوشی زندگی میکنند . باهم ترقی می نمایند . باهم پدر و مادر میشوند . باهم اولاد می پروراندند . باهم یاد کار های نیکو میگذارند . در دنیا باهم پیر میشوند و باهم ازین سرای فانی میگذرند .

کار دنیاراجحس علم و عمل و کسب افتخار و شرف ساخته . کار آخرت را به پرستش یزدان پاک و مهر بانی بانی نوع و آفریدگان الهی پرداخته . بازماندگان ایشان برای آنها باقیات صالحات پنداشته اند . اینک اندکی از این دو شخصه روزگار بشرف و افتخار باقی است . اینست معنی سعادت اینست حقیقت خوش بختی . اما آنائیکه در مکتب آغوش مادر تربیت نیکو نیافته و قسمت دلم زندگانی را که دوره جوانی است بیاطل گذرانیده آنکه خواسته است آنچه را که مان تر سیده و ر سیده است با آنچه که نمیخواسته علی الخصوص که گرفتار همسر ناموافق ناسازگاری هم شده باشد که این دو تن : همیشه دنیا را ناریک و راه باریک سعادت را بعشرت زیست می نمایند و بحسرت ازین عالم می روند .

و گاه میشود که: آرایش وجود آنها قرن‌ها زلال زندگانی قومی را مکرر و زهر رفتار  
شان حیات اجتماعی ملتی را مسموم می نماید .  
اینست معنی شقاوت ، اینست حقیقت بد بختی در زندگی .

### دوره پیری و خرافت

#### یا دوره چهارم زندگی

دوره پیری که از سن ۵۸ ، ۶۰ تا ۶۹ ، ۸۰ منتهی میشود و دوره خرافت که از  
۷۰ ، ۸۰ تا آخر عمر معینه و مقرر است از نقطه نظر پسیکو لوژی پیران مورد بحث است  
بد بختانه این دور زندگی در تربیت اهمیت خود را باخته است زیرا درین دوره از تمام قوای  
روح و مشاعر و قوای بدن کاسته شده و در آخر دوره دوم که آنرا ( پیری دوم  
و خرافت ) گویند بکلی مشاعر و قوا و حتی حواس بجز از حس ذوق از کار می افتد  
و از نقطه نظر فیزیولوژی ماده تناسل بکلی مفقود الاثر شده پوست و استخوان بدن  
خشک میشود .

انسان چون دوره سوم زندگی را پیمود و قدم در مرحله چهارم نهاد ، دنیا را  
پشت سر می بیند و آخرت را پیش رو .

علامت های پیری و خرافت از سپری قوای ظاهری و باطنی ، سفید شدن مو و  
برم شدن رو و خمیده گشتن قامت ، و ناتوان شدن طبیعت و بسا آثار دیگر در وجود  
او هویدا میگردد روز بروز بنیان هستی او رو با نهاد میگذارد و در این مرحله خوشبختی  
و بد بختی شدید تر از مراحل گذشته نمودار میشود .

انسان سعادت مند یعنی آنکه دبستان آغوش مادر را نیکو طی نموده ، دوره

کودکی و جوانی و سالخوردگی را آنگونه که باید و شاید بگذرانند، از فضایل بشری بهره مند شده دانستی های را در حد استعداد خویش دانسته و رفتار کردنی های را بقدر امکان رفتار نموده، در مراحل خطر ناک زندگی سعادتی آزادی را ادراک کرده و آثار بزرگ را از خود در دنیا باقی گذارده، خانواده سعادت مندی را بر خانواده های ملت خود افزوده، زادگان با لیاقتی را بحد کمال و هنر رسانیده، و با اجماع از مسئولیت نزد خالق، خلق، وجدان، وطن، خود را رها نیده، درین مرحله دست از اکتسابات عملی میکشد و با اکتسابات روحانی و لذایذ معنوی تا آخرین نفس مداومت میدهد.

پیردانا بواسطه ذخیره های مشروعی که برای این مرحله از زندگانی ندارد نموده معاش خود را تامین او کرده آثار وجودیه خود را در این جهان از هر طرف فروزان و خلق را حاجت مند تجربه ها و فکرهای منجید خود می بیند و بالاخره آخرین تابش انوار هستی خویش را درین عالم مانند اشعه خورشید در هنگام غروب که بر قله های کوه های بلند بنابد بر فراز افکانه بزرگان جهان تابان مشاهده می نماید و آخرین نفس را برضای خالق و خالق از او و رضائیت او از همه تسلیم می نماید.

پیکر خاکی را بدست خاک و به دل های پر محبت هواخواهان خود می سپارد، اینست بهشت دنیا، اینست سعادت ابدی.

و چون پیردانا در مرحله پیری احتراز میکند از هر چه لازم عهد کودکی و جوانی است ازین رو قرار تشریح سابق به تعبیر (پیری در پیری از نقطه نظر اخلاقی) موافق میشود اما پیر نادان مرحله چهارم زندگی را بجز هر بدبختی و بی سعادت میگذرانند



میگوید آنچه را نمیکند و نمیکند آنچه که میگوید ، صفات رذیله که يك عمر با او بسر برده بر وجودش غالب ، حرص و طمع بر او مستولی ، خلق از شر دست و زبان او در آزار ، نه خود از خود راضی و نه خلق و خالق از او .

در پیری بهوس های جوانی می پردازد و بطبیعت کودکی باز گشت می نماید همه کس از دیدار او بیزار ، همه کس مرک اورا خواستگار تا برود و صفحه روزگار از وجودش خالی بماند کتنامه این گونه پیران جاهل در عالم حقیقت بدوش آغوش مادر و دست ناقابل مربی و زبان بی حس معلم یاد ماغ نامستعد او است .

## زندگانی علمی و زندگانی عملی

از نقطه نظر تکلیفی

اگر چه بیان این مطلب در خلال مطالب گذشته تا اندازه آشکار و حضور قارئین محترم را مستحضر نموده باشد ولی تا نیک و خوب تر روشن شود ، میگوئیم :

قسمت اول و دوم زندگانی ( کودکی و جوانی ) رازندگانی علمی و قسمت سوم

و چهارم را زندگانی عملی میخوانیم .

در ختم مقال می گویم که « سعادت مند کسی است که قسمت های اول زندگانی خود را صرف خوش بختی قسمت های دوم نموده باشد » .





اطاق کتبی مکتب نجات - متعلق شاره جهاد و م سال ۶-۲۰۰۶